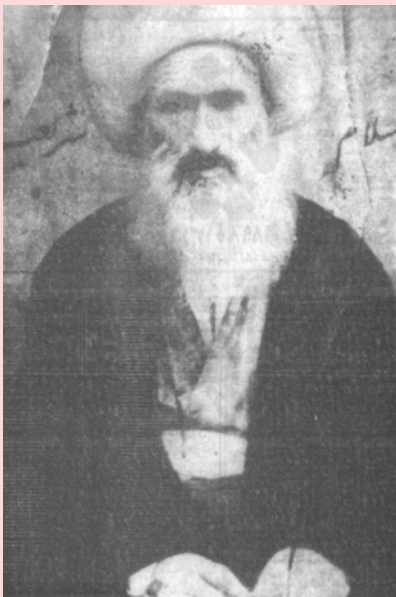


## تلاش حاج آقا نورالله و ترویج خودکفایی ملی و تحریم اجناس بیگانه



آیت الله شیخ شریعه اصفهانی

بسیار مختصری. به علت اینکه در سال، چندین هزار تومان ما را از طلا و نقره حمل به خارج می‌نمایند. و اجانب همین پولها را اسباب محموله تجارت لایقه می‌نمایند. و سالی کرورها از مملکت ما جلب می‌نمایند. و در مقابل در سال چیزهایی که ابداً از عین آن باقی نیست، از قبیل قند و چای و پارچه‌های بی‌دوام به قیمت‌های گزاف تجار ما وارد می‌نمایند و در انتظار جلوه می‌دهند. و ما هیچ تصور نمی‌کنیم که سر سال اینها که به ایران آورده‌اند، از قبیل قند و چای و سایر مشروبات علاوه بر خسارات مالی، کلی ضرر مالی برای ما داشته. یا از قبیل اقمشه بوده، که محلول آنها را یک من نه هزار الی یک تومان از مملکت ما برده. یا قدری کم و زیاد پارچه‌های مثل کارس و امثال آن داده‌اند. یا از قبیل ظروف



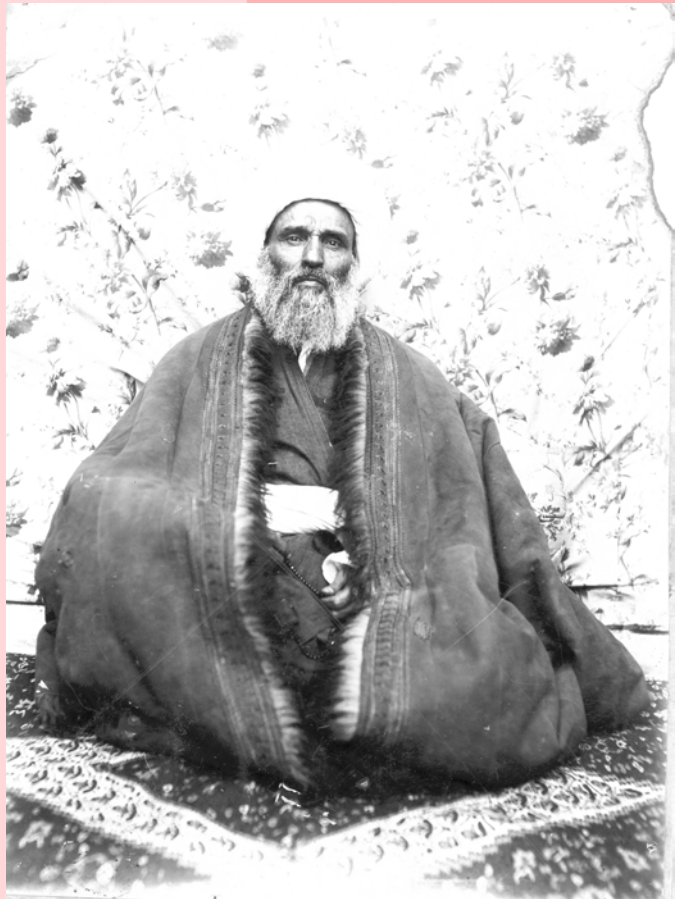
۳۰

پخش گردید. و مردم با عشق و علاقه لباسهایی که پارچه‌اش خارجی بود، درآورده و به جای آن از اقمشه ساخت این شرکت استفاده می‌نمودند. شور زایدالوصفی که این شرکت در ایجاد غرور ملی برای نفی اقتصاد بیگانه و حمایت از وطن و دین ایجاد نمود، خود تاریخی فراموش ناشدنی دارد. در اساسنامه شرکت این گونه آمده است: «این شرکت آب رفته را به جوی باز می‌آورد و رشته گسیخته تجارت داخلی ما را محکم خواهد نمود. ملک و وطن ما را آباد و صنایع منقرض شده ما را حیات می‌دهد. و ما را از دلت احتیاج به امتعه خارجی می‌رهاند. در سال که هزارها از نفوس و برادران دینی ما به خارجه مسافرت کرده و در کمال دلت به مزدوری غیرمذهب ما، جان شیرین می‌سپارند به کار و شغل در داخله مملکت باز خواهند گشت. چون تا به حال نه

و چراغ و سایر آلات چینی و بلور و غیره بوده که تماماً سر سال شکسته و بکلی از میان رفته، جز حسرتی برای ما باقی نمانده. پس معلوم شد که این قسم تجارت دلا لی اجانب بوده و جان کندن برای تحصیل نفع آنهاست.»  
اما در زمینه خودکفایی ملی و رشد اقتصاد داخلی اسناد و مدارک زیادی در دست است که در تاریخ یکصد سال اخیر با توجه به حجم و ابعاد و عمق کم نظیر است. موضوع شرکت اسلامی اصفهان که به سال ۱۳۱۶ قمری تأسیس شد (حدفاصل قیام تنباکو و نهضت مشروطیت ۱۳۰۹ - ۱۳۲۴) و تشکیلات منظم آن که در همه شهرها شعبه‌هایی را دایر و حتی در برخی کشورهای خارجی نیز دفاتری ایجاد نمود، جزو درخشانترین حوادث این دوره بشمار می‌رود. تولیدات و منسوجات این شرکت در سراسر کشور

به دنبال قیام بزرگ و تاریخی تنباکو که امپراطوری انگلیس را به عقب‌نشینی واداشت؛ این اندیشه در ذهن حاج آقا نورالله و آقاجفی شکل گرفت که می‌توان ابعاد این تحریم را به کالاهای دیگر گسترش داد. و سپس جهت تحقق عینی این تحریم برای سازندگی و خودکفایی داخلی نیز برنامه‌ریزی و اقدام نمود. این اقدام دو جانبه (اول مبارزه منفی و تحریم اجناس خارجی و نفی سلطه اقتصادی اجانب و دوم تلاش برای سازندگی و خودکفایی ملی) اساس مبارزه اقتصادی حاج آقانورالله و برادرش را تشکیل می‌داد. حاج آقانورالله در این مورد می‌نویسد:

«همین اعمالی که اسمش را تجارت و صناعت کرده‌ایم، اسباب فقر و فاقه دولت ما شده. چرا که تجار ما در واقع مزدور اجانب می‌باشند، به اجرت



تأیید شرکت اسلامیة توسط آیت الله آخوند خراسانی

تجّار و نه کسبه معنی و لذّت کسب را نچشیده بلکه خود مزدور و کارکن کمپانیهای خارجه بوده‌اند.<sup>۲</sup>

همچنین از سخنان حاج آقا نورالله است که: «باید اسباب کسب و تجارت داخله را فراهم آورد که از اول صادرات مملکت بقدر واردات باشد.»<sup>۳</sup> «اشخاص نروند پولهای خودشان را در بانکهای خارجه از قرار صد و پنج بگذارند و در داخله پول نابود شود. باید طوری اطمینان داد که رعایا به دولت قرض بدهند.»<sup>۴</sup>

«اگر مسلمین دارای ثروت و مکنت شوند و تجارت و زراعت و فلاحت آنها ترقی کند و فقر و پریشانی آنها رفع شود، البته در کمال خوبی می‌توانند حفظ علم اسلام را نمایند.»<sup>۵</sup>

«امروز بر ملت ایرانیه و حوزه اسلامیة لازم و متحتّم است که در رفع احتیاج از خارجه به قدر مقدور و اندازه میسور بکوشیم. یعنی لوازم

زندگانی را از لباس و فرش و میل و اسباب آلات و جنس خرّازی از چاقو و مقرّاض و غیره تا آخرین درجه امکان از امتعه داخله خود استعمال نماییم. و تا در مملکت خود اگر چه به اضعاف قیمت و خشن باشد در بند ظرافت نباشیم و از خارج نخریم و این اقتصاد ملّکی و ملّی را کار بندیم و سرمایه و نفوذ را به خارجه نسپاریم.»<sup>۶</sup>

«یکی از صنعتهای قدیمه ایران، نسّاجی است. اگر کارخانه ریسمان و نسّاجی داشتیم قهراً رفع حاجت و مزید ثروت و ترقی مملکت می‌باشد. و هم فلاحت که در واقع معدن معتبر ایران است و با این استعداد آب و خاک، اگر از روی قانون علمی استخراج این معدن می‌شد، اسباب هزارگونه ثروت بود.»<sup>۷</sup>

۱. رساله مقیم و مسافر.  
۲. نسخه اساسنامه شرکت اسلامیة اصفهان، ۱۳۱۶ قمری.  
۳. رساله مقیم و مسافر.  
۴. همان رساله.  
۵. همان رساله.  
۶. روزنامه «جهاد اکبر» سال ۱۳۲۵.  
۷. رساله مقیم و مسافر.